



فرهادین حداد عادل
f.haddadeadel@panjerehweekly.com

حالا نوبت آیت‌الله جنتی است!؟

نکاتی در باب آماده‌سازی آذهان عمومی جهت ورود به یک روند سیاسی اجتماعی

تجربه انتخابات سال ۸۸ نشان می‌دهد که در فضای رقابت سیاسی کشور، بعضی از فعالان و بازیگران ظرفیت و تحمل کافی برای چنین بازی پیچیده‌ای را ندارند. سیاست‌ورزان کم‌بینه برای گریز از عوارض شکست سیاسی، آماده برهم زدن امنیت کشور و فضای آرام سیاسی هستند. اگر دسیسه‌پیگانگان و طمع دشمنان داخلی را هم بخواهیم نادیده بگیریم، لزوم هوشیاری نسبت به بی‌قراری بازیگران سیاسی و افتخاهی آن، همه ما را به هوشیاری بیشتر و ای‌دارد. علی‌الخصوص که ممکن است بعضی از گروه‌ها از پیش برای کم کردن تبعات باخت محتمل خویش، سناریوهای جهت کم‌هنگ کردن شکست خود یا تلخ کردن پیروز حریف طراحی کرده باشند.

در سال ۸۷، ریاست صدا و سیما در جلسهای توجه جمع را نسبت به تأثیر گذاری قابل‌توجه پیامک‌ها در فضای غیررسمی جلب کرده بودند. در زمستان همان سال شاهد تشدید پیامک‌ها، کارکنان‌ها، امیل‌ها و سپس کافی‌ها بر ضد رئیس جمهوری کشورمان، جناب آقای احمدی‌نژاد، بودیم. تا جایی که حتی خارجیان هم در سایت‌ها و مجلات خود یا به این عرصه گذشتند. چیزی که خیلی از مخاطبان آن را صرفاً شوخی یا اهانت‌هایی خفیف ارزیابی کردند که ارزش واکنش نشان دادن نداشت.

دو بند پیشین می‌تواند حکم مقدمه را داشته باشد. برای طرح موضوع این نوشتار، تصمیم‌سازان سیاسی بمنظور جلب‌توجه افکارمختلف مردم، فضاسازی، تقرب آذهانبه منویات خویش و یا درگیر کردن فکر جامعه با یک موضوع، نیازمند پیدا کردن نقطه‌ای آغازین برای شروع فعالیت خود هستند. مسأله یا موضوعی که گاهی باید به اندازه یک نقطه کوچک و کم‌ارزش به‌نظر برسد تا حساسیت طرف مقابل را جلب نکند و در عین‌حال بتواند آغازی بر یک عملیات روانی و فضاسازی تبلیغی باشد.

مسیر آماده‌سازی جامعه برای ورود به عرصه‌ای جدید که حساسیت‌های سیاسی، مردمی و اجتماعی بالایی دارد، روند پیچیده‌ای است. مهم‌ترین دلیل پیچیدگی آن نیز در موارد زیر قابل‌مشاهده است.

- ۱- تبعات سیاسی طراحی چنین پروژه‌های روانی، اجتماعی و سیاسی، گاهی جبران‌ناپذیر است.
- ۲- طرف مقابل ممکن است بتواند خود را برای مقابله آماده کند و در نتیجه عملیات ناموفق بماند.
- ۳- مردم اگر بدانند که در پس اتفاقی که به ظاهر کم‌ارزش به‌نظر می‌رسد، طراحی گسترده و پیچیده‌ای قرار دارد، نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند و کار نتیجه عکس خواهد داد. یعنی اگر مردم فهمند موج شایعات بی‌دریغ که درباره یک شخص منتشر می‌شود و یا جوک‌های (از به‌کار بردن لفظ لطیفه‌مدان اجتناب کرده‌ام) مربوط به او که هر کدام به‌نحوی با تمسخر او به خنده افراز منتهی می‌شود، با هادفی سیاسی و روانی طراحی شده است، حتی اگر از پذیرش آن‌ها اجتناب نکنند؛ آن‌ها را با تحلیل و بینش دریافت می‌کنند.
- ۴- قسم اول برای آماده‌سازی آذهانبه عمومی جهت ورود به یک روند سیاسی و اجتماعی، در گریزسازی ذهن مخاطبان با بخشی از موضوع است. از همین‌جا جهت‌گیری نیز به آزایی شروع می‌شود. مردم فهمند می‌شوند و به فراخور سطح سواد، فرهنگ و بینش آن‌ها خوارک‌های ذهنی متنوعی تولید می‌شود. مطالب تحلیلی در کتاب‌ها و مجلات درج می‌شوند. ماهواره و اینترنت به انتشار هدفمند اخبار می‌پردازند و در سطحی فراگیر و عمومی و البته بسیار مؤثر، جوک‌ها و شایعات لایه‌های عامیانه و نازل اجتماع را پوشش می‌دهند. کاربری جوک و شایعه در این است که حتی نخبگان و فرهیختگان و سیاست‌ور نیز در ساعت و لحظات شخصی و غیررسمی خود به آن می‌پردازند و به آن مبتلا هستند. شایعه و جوک در

جامعه ما معمولاً در کنار هم مطرح می‌شوند. جوک‌ها ابتدا پایه‌های احترام و منزلت و جایگاه سوژه‌ای خود را سست می‌کند و سپس شایعه به تخریب مشروعیت و مقبولیت و نفوذ کلام و رای سوژه می‌پردازد. حال این عملیات ضد هر کس که می‌خواهد باشد. جامعه ایرانی تجربه این اتفاق را در مورد اقوام مختلف اقشار گوناگون اجتماعی و شخصیت‌های متعدد انقلابی داراست. جوک‌ها در جامعه ما - شاید در کشورهای دیگر هم همین‌طور باشد - شایع هستند. یونسکو فارسی‌زبان را شوخ‌ترین مردم دنیا معرفی کرده است که دارای انواع و سطوح فراوان شوخی هستند و جالب این که از حیث میزان و تنوع ناسزا نیز پس از فرانسویان در رده دوم قرار می‌گیریم. با این اوصاف مردم نسبت به اقسام جوک واکنش منفی نشان نمی‌دهند. و در نتیجه جوک‌ها دهان به دهان، گوش به گوش و ایمیل (بست الکترونیکی) به ایمیل منتشر می‌شوند. افراد حتی اگر مضمون جوک را هم نپسندند، به آن می‌خندند. اما این پدیده جذاب عمومی اجتماعی وقتی فراوانی پیدا کند یا به‌طور مشخص در موضوعی خاص متوجه باشد، در‌خور توجه و ریزینی است. خصوصاً که این اتفاق در راسته یک مرحله مهم سیاسی جامعه رخ دهد.

موضوع این نوشتار - به‌طور مشخص و دقیق - پرداختن به حجم قابل‌ملاحظه جوک‌هایی است که در مورد آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، این‌روزها منتشر شده است. چرا یک‌باره طی چند ماه گذشته ایشان این‌طور آماج جوک‌ها قرار گرفته‌اند؟ آیا می‌خواهند سوابق علمی، مبارزاتی و سیاسی ایشان را آهسته آهسته و بی‌سر و صدا کم‌رنگ کنند. پس از یک عمر همراهی با امام و رهبری و خدمت به جامعه، حالا ایشان به سوژه جوک‌ها تبدیل شده است. طراحان این فضای عجیب به‌دنبال چه هستند که بپرورد زاهد و هوشیار عرصه سیاست را به موضوع جوک تبدیل کرده‌اند؟ اگر هیچ نیتی نیست و صرفاً خندیدن مهم است؟! چرا در راسته انتخابات و در جایی که همه رقیب و رقیف چشم به عملکرد شورای نگهبان دوخته‌اند این فضاسازی صورت می‌گیرد؟ یا به خود اجازه نمی‌دهم به تحلیل جزئیات و محتوای این حجم از جوک‌ها بپردازم. ما به هیچ‌وجه اجازه و وظیفه نداریم حتی برای تحلیل، هر چیزی را در فضای عمومی جامعه منتشر کنیم. اما ماجرا برای چندمین بار در حال تکرار شدن است. این‌بار احتمالاً برای آیت‌الله جنتی پروژه‌ای تخریب را طراحی کرده‌اند. فعلاً در مرحله آماده‌سازی آذهانبه هستند. طراحان این موج تبلیغی می‌خواهند به نگاه مردم نسبت به ایشان طعم و جهت بدهند، به‌طوری‌که هر وقت صحبت از شورای نگهبان و دبیر آن شد، چیزی غیر از جدیت و دقت و امانت‌داری و تیزبینی به آذهانبه متبادر شود. مراحل بعدی هم ممکن است در پیش باشد. سطح بعدی، سطح شایعات است. احتمالاً این بار قدیمی انقلاب را آماج تهمت‌های مختلف هم قرار خواهند داد و به سمت تحریک آذهانبه عمومی علیه شورای نگهبان حرکت خواهند کرد. چه می‌دانیم، شاید این بار فتنه قبل از وقوع انتخابات رخ دهد. شاید بازیگران جدیدی نقش فتنه‌گران را بر عهده بگیرند. شاید همان‌ها از امروز مانع اصلی خود را آیت‌الله جنتی تشخیص داده‌اند و در حال پیاده کردن طرحی برای تخریب جایگاه شورای نگهبان هستند. اگر چه شاید این گمانه‌زنی‌ها بدبینانه به‌نظر برسد، ولی به‌واسطه جنفای که افرادی نظیر آقایان کرویی، موسوی و خاتمی در حق جمهوری اسلامی کردند، دیگر نمی‌توان از کنار این‌گونه امور به آسانی گذشت. چه کسی باور می‌کرد کمیته صیانت از آرا و از جمع‌ها و تشکل‌های اجتماعی و سیاسی متعدد، در مرحله ادعای تقلب و نفی صداقت‌نظم به ابراز اصحاب فتنه بدل شود. آن‌موقع که نمانندگی‌های مخالف در سطح جامعه بخش می‌شد، نمی‌دانستیم که گام‌های بعدی چیست و چه اتفاق‌هایی رخ خواهد داد. اگر چه امروز هم نمی‌دانیم فردا چه پیش خواهد آمد، ولی قطعا می‌دانیم که باید مراقبت خود را بیشتر کنیم. این جوک‌ها می‌تواند دلیل به‌سوی این مرد بزرگ سرازیر نشده‌اند پس باید بدین‌ان‌ها از آیت‌الله جنتی چه می‌خواهند! □



شهاب مصطفی احمدی‌روشن، معاون بازرگانی سایت طنز که توسط عوامل استخبار به شهادت رسید

در باغ شهادت، باز، باز است

درباره ترور مغزها

با چرخاندن آرام و هوشمندانه راهبرد جامعه ایرانی از سیاست‌های توسعه غرب گرایانه به راهبرد «پیشرفت دانش‌محور» توسط رهبری انقلاب، سرزمین پارسی وارد مرحله نوینی از پیشرفت‌های علمی شد. این چرخش درحالی رخ داد که تلاش‌های مشخصی برای هدایت مغزهای ایرانی به خارج از کشور صورت می‌گرفت. آن‌چه در طول دو دهه پس از جنگ‌ها قرار مغزها» برخورد گرفت، نوعی بزرگ‌نمایی چرایی بود که از قرن‌های گذشته در میان ایرانیان وجود داشت تا از این بزرگ‌نمایی شکلی تازه و بی‌پارگشت به روند مهاجرت مغزها بدهد. این اقدام هر چند باعث مهاجرت بخشی از نخبگان علمی به کشورهای دیگر شد، اما برخلاف آن‌چه القا می‌شد، هرگز به‌معنای خالی شدن جامعه ایرانی از نخبگان علمی نبود. طی سال‌هایی که تلاش هفدهم‌دهه برای خارج کردن نخبگان علمی از کشور، از طریق به تصویر کشیدن سرزمین‌های روایی در آن سوی مرزها و درشت نمایی مشکلات و سیاه‌نمایی‌ها در جریان بود، بخش اعظم نخبه‌های جوان

منجر شد و در مرحله بعد، زبان علاقه‌مندان به انقلاب را بلند و زسان دراز ضدانقلاب را کوتاه کرد. ۵- این دست‌آوردها باعث اعتماد تازه مسئولان و مدیران اجرایی به قابلیت‌های شگرف جوانان ایرانی شد. این اعتماد سبب شکل‌گیری حلقه‌های اتصال تازه، میان بسیاری از نیازهای جامعه و طرح‌های پژوهشی شد و این اتصال، شتاب بیش‌تری به جریان علم و پیشرفت دانش‌محور جامعه ایرانی بخشید تا شتاب رشد علم در ایران، در جایگاه نخست جهان قرار بگیرد. ۶- این پیشرفت‌ها، از سوی دیگر، ایرانیان جهان را که جنبه سلطه خود را بر روی همه چیز انداخته‌اند، نگران کرد و آن‌ها را واداشت تا به اقدامات متناوب و گوناگونی برای متوقف کردن این جریان، دست بزنند؛ برخی از رشتنه‌ها در مرزهای علمی قرار داد. ۴- دست‌آوردهای علمی حاضر، در مرحله اول، مهر بلابلی بر بسیاری از ایهای یاسی بود که مرتباً در گوش ایرانیان و تقریباً همه کشورهای جهان سوم خوانده می‌شد. سپس، به افزایش خودباوری در جامعه ایرانی

دانشمندان جوان ایرانی سربازان اصلی این جنگ هستند. هر چند بر مبنای تئوری‌های جدید، جنگ‌های نرم بر مبنای «قدرت نرم»، جایگزین جنگ‌های سخت شده‌اند؛ اما صورت تازه‌تر جنگ‌های امروز، جنگ‌های هوشمند بر مبنای «قدرت هوشمند» است که ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت است. بر مبنای جنگ‌های هوشمند نرم و سخت، برای از پای درآوردن رقیب استفاده می‌شود و بدین‌ترتیب، برای جامعه ایرانی از یک‌سو، روش جنبش‌های رنگی و جنگ‌های مختلف روانی آزمایش می‌شود و از سوی دیگر تحریم‌های سخت و گوناگون و ترور چهره‌های مؤثر در دستور کار قرار می‌گیرد. برای کسانی که در این سال‌ها گرفتار دام مدرنیته و مکر اخلازمایی آن نشده‌اند، آتش‌های خلمان‌سوز جنگ تازه به‌خوبی نمایان است و از این منظر، دری که با پایان دفاع هشت ساله بسته شد، اکنون گشوده شده است تا علاقه‌مندان به شهادت، دست به تلاشی دوباره بزنند و اقبال خود را بیازمایند □